

# ستاره سرخ

کونیستها باید از خود حد اکثر دور اندیشی، از خود گذشتگی و پیگیری را نشان دهند و در سنجش اوضاع تعصب را بحد اقل پائین بیاورند، با کسرت توده ها اتکاف کنند و پشتیبانی آنها را نسبت بخود جلب نمایند.

تیرماه ۱۳۵۰ برابر ماه ژوئیه ۱۹۷۱

بغرنج طولانی، راهیست که با بالابردن تابلوی حزب در خارج کشور و پیابنده معدودی جد از توده ها مخالف است. همچنین راهیست که باقیام مسلحانه عدای انقلابیون جد از توده ها همفراست است. این راه از پیش و جهانیست توده های برمیخیزد. این راه، راهیست بر اساس اعتقاد به اینکه امر انقلاب امر توده های میلیونی است. بدون آنها وجد از آنها نمیتوان دست باجیاد حزب و ایجاد نیروی مسلح زد. این راهیست که در آن مارکسیست - لنینیستها باید با صبر و حوصله بعدت طولانی بکار دقیق در میان توده ها بپردازند، بجای الگوسازی و برخورد گماتیکی متواضعانه از توده ها و مبارزات آنها بیاموزند، تجربیات آنها را جمع بنیاد کنند و به توده ها برگردانند.

اما این راهیست مطمئن، راهیست که حتما مارکسیست - لنینیستها را به ایجاد حزب کونیست، به ایجاد ارتش توده های و برپا ساختن جنگ توده ای خواهد رساند. راهیست که کونیستها چینی، آلبانی، ویتنام و دیگر کشورهای انقلابی پیروی نموده و پیروزی های درخشانی بدست آورده و بالاخره راهیست که کونیستها و واقعی ایران در گذشته در آن گام نهادند و ما باید در پیش گیریم. رویزیونسم و فریبسم حزب توده ایران را عمیقتر انتقاد و طرد کنیم، شورانقلابی را با پیش توده های همراه سازیم، بمان توده های کارگروه هقان رویم، برای وحدت کونیست لنینیستها کوشش کنیم و بدین ترتیب شرایط را برای ایجاد حزب کونیست فراهم آوریم. اینست وظیفه مرم کونی ما.



## برای مبارزه با جشن سلاطین متشکل شویم

### «شمه ای از بیانات حضرت آیت الله خمینی»

که به شهرها هجوم آوردند و حیوانات خود را بر اثر نداشتن علوفه رها کردند و طبق بعضی از گزارشات عد زیادی از رستگاری مردانند و در این اوضاع و شرایط اسف انگیز میلیون ها تومان صرف جشن شاهنشاهی می شود، فقط برای تزئین و چراغانی شهر تهران - طبق خبر رسیده - هشتاد میلیون تومان اختصاص داده و کارشناسان اسرائیلی برای بیاداشتن این تشکیلات دعوت شده اند.

"اسرائیلی ها کاکون با مسلمانان در حال جنگ است اسرائیلی که بیش از یک میلیون مسلمان را آواره ساخته و سرزمینهای اسلامی را اشغال کرده است اکنون مسئول برگزاری جشن شاهنشاهی در ایران می باشد و با کشتن نفتکش از ایران برای او نغمه میزند.

آیا ملت ایران باید برای کسیکه به اسلام و مصالح مسلمانان خیانت میکند و با اسرائیل نفت میدهد جشن بگیرند؟ برای کسیکه حادثه ۵ خرداد را پیش آورد و طبق گفته یکی از علماء فقط در قم چهارصد نفر را کشتند و پانزده هزار نفر را - آنطور که میگویند - در ایران قتل عام کردند و ماورین را بعد رسه فیضیه فرستادند که بقران و جعفرین محمد (ع) اهانکت کردند، عمامه ها را آتش زدند و عدای را از پشت بام انداختند و آن رسوائیهار را بیار آورند و زند آنها را از مردم وطن خواه انباشتمه ساختند که بسیاری از عزیزان ملت در زیر شکنجه مرمین بقتل رسیده اند باید جشن برپا کنند؟ آیا ملت ایران باید برای این سلاطین جشن بگیرند؟ مردم چه دلخوشی از این سلاطین دارند؟ جشن برای آنان جشن و چراغانی کنند؟

بقیه در صفحه ۲

لنینیستها بوجود میآید زیرا توده ها عمیقاً خواستار وحدت نیروهای انقلابی میباشند. بدون وحدت مارکسیست - لنینیستها ایران صحبت از ایجاد حزب کونیست برخوردار است. سکتاریستی و بد ورا شرایط مشخص ایران. لذا مبارزه علیه ایدئولوژی گروهی را باید پیش برد.

اوضاع برای ایجاد حزبی واقعا انقلابی بر اساس مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه ما توده در هر روز مساعد تر میشود. اقتصاد با تگراری ماههای اخیر، مبارزات بخون کشیده، کارگران قهرمان، مبارزات و تظاهرات دانشجویان، بخش اعلامیه های مختلف توسط گروههای سیاسی، از خسرو گدشتگی های گروههای مسلح همگی نشانه جوش و خروش رشد و توسعه نیروهای انقلابیست.

باید با برخوردی اصولی با این مبارزات، با جمع بندی و آموختن عمیق از آنها کوشید موفقیتها را تقویت نمود و مبارزه را بجلوسوق داد. هسته وظیفه مرم کونی ماهم در همین نهفته است که کوشش کنیم با مستگیری صحیح موفقیت های اخیر مبارزات خلق را تقویت بخشیم، برای اینکار تنها یک راه موجود است: پیوند دادن هر چه بیشتر و فشرده تر جنبش کونیستی نوین با جنبش توده ای.

برای پیوند با جنبش توده ای باید باتوجه به زبان مشترک یافت، از سطح آنها حرکت کرد و وسایل توده ها را درک نمود. هر چه حرف یا عملی که از سطح توده ها دور باشد، برای توده ها بیگانه است و بهیچوجه نمیتواند آنها را جلب کند و یا مورد تأیید آنها قرار گیرد. توده ها در تجربه خود در جریان مبارزه طبقاتی است که میتوانند مارکسیسم - لنینیسم را فراگیرند و با آن جهان عینی را تغییر دهند. این راهیست سخت،

## وظیفه ای که در پیش داریم

گرفت، جزئیک ما میخواستیم حزبی است که از لحاظ ایدئولوژیک، سیاسی، تشکیلاتی و سبک کار با حزب توده ایران مرز بندی دقیق کرد باشد. در عین انتقاد و طرد رویزیونسم باید از راه "کانون شورشی" انتقاد کرد و از لحاظ ایدئولوژیک ریشه فعالیت جد از توده ها و روحیه قهرمان بازی اندویید و الیستی را سوزاند. در این رابطه باید بکار ایدئولوژی عمیقی در مورد نقش توده ها و اینکه آنها سازنده تاریخ هستند و قهرمانان واقعی میباشند توجه جدی نمود.

با اینکار تدوین شرایط برای پیوند فشرده تر با جنبش توده ای بهتر میشود و بدین ترتیب پایتوده های برای ایجاد حزب کونیست بوجود میآید. در همین مبارزات کونیستی سابقه ای طولانی دارند. ایجاد حزب کونیست هم بر اساس شرایط مشخص جنبش کونیستی ایران در این لحظه تاریخی باید صورت گیرد. هم اکنون هسته ها و گروهها و سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی موجودند که با انتقاد از رویزیونسم و ایدئولوژی "کانون شورشی" در جهت پیوند بانوده های کارگروه هقان در حرکتند. هر چه قدر پیوند این هسته ها، گروهها و سازمانها با توده ها فشرده تر شود و آنها را در مبارزه توده ها بیشتر شرکت کنند بهمان اندازه پایه توده ای برای ایجاد حزب کونیست وسیعتر میشود و اصولاً از این طریق شرایط مناسب برای وحدت مارکسیستها

در چند ماه اخیر، بدنبال سال گذشته ما با زهم بیشتر شاهد مبارزات توده ای، بالا رفتن روحیه مبارزه جویانه مردم توسعه نیروهای متشکل پیشرو در پیوند با مبارزات توده ای و بالاخره رشد اوضاع بسود وحدت نیروهای انقلابی بودیم. در این اوضاع و احوال مارکسیست - لنینیستها چگونه میتوانند بهتر و موثرتر رجعت وظیفه مرکزی خود یعنی ایجاد حزب کونیست گام بردارند؟ در پاسخ باین سؤال احتمالاً نظرات مختلفی موجود است. ما در زیر مختصر نظر خود را در این مورد ارائه میدهم:

بنظر ما وظیفه مرم ما در اوضاع کنونی، عمیقتر ساختن انتقاد و طرد رویزیونسم حزب توده ایران، انتقاد و طرد ایدئولوژی "کانون شورشی" یا مبارزه مسلحانه بدون رهبری حزب کونیست وجد از توده ها، کوشش همه جانبه برای پیوند با کارگران و هقان و ایجاد وحدت میان مارکسیست - لنینیستها می باشد.

انگیزت نیروهای چپ بنوعی ضرورت حزب را قبول دارند اما از آنجا که پیش عمیق و مشترکی نسبت به حزبی که میخوانند دارند، در چگونگی ایجاد آن و طبعاً وظایف مرم کونی اختلاف دارند.

بعضی ها چنین میاندیشند که از طریق ایجاد نیروهای مسلح میتوانند حزب را پیروزی کرده و رشد دهند. بعضی دیگر آنها ایجاد هسته های مسلح را قبل از ایجاد هسته های حزبی میگذرانند و تفنگ را بر سیاست حاکمیت میدهند.

افراد دیگری هستند که معتقدند حزب طبقه کارگران موجود است (منظورشان همان حزب توده ایران است) فقط رهبری آن است که منحرف شده و وساله مرکزی همانا بوجود آوردن یک رهبری جدید برای آنست.

آوردن این دو نمونه بخاطر این بود تا ببینیم چگونه درک متفاوت داشتن از حزب مارکسیستی - لنینیستی، باعث در پیش گرفتن راههای متفاوتی در جهت ایجاد آن میگردد. در عین حال خوبی میتوان دریافت که چگونه هر بینشی هم وظیفه مرم ویژه ای را در شرایط کنونی عرضه میدارد.

بنابراین برای اینکه قادر شویم جنبش مارکسیستی - لنینیستی را تحکیم نمود و نظرات نادرست و انحراقی را از آن دور سازیم باید روی مساله " چگونه حزبی ما میخواستیم" یا فشاری کنیم و در این مورد بکار ایدئولوژی دقیق بپردازیم و وظایف مرم کونی مارکسیست - لنینیستها را در رابطه با آن معین سازیم

بدون ایجاد یک پیش مشترک در باره حزبی که میخواستیم، قادر نیستیم به پیش مشترکی در باره چگونگی ایجاد آن و وظایف مرم کونی مارکسیست - لنینیستها برسیم. عدم وحدت جنبش پرولتری کونی هم از همین جا سرچشمه میگردد پس چه باید کرد تا بدین مشترکی بوجود آید و شرایط برای وحدت مارکسیست - لنینیستها فراهم شود؟ اولین گام اینست که

مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه ما توده درون را افکار هدایت کنند و معیار قرار داده و با آن تدوین انتقاد از رویزیونسم حزب توده ایران را عمیق کرد، علل شکست و پیروزی ها را در گذشته دریافت و اساسی ترین خطوط گذشته

جنبش کارگری را جمع بندی کرد و روی آن وحدت نمود. بدون تخریب ساختمان ممکن نیست. اگر انقلابیون پرولتری عمیقاً به حزب توده ایران برخورد انتقادی بکنند احتمال آنکه با ایدئولوژی حزب توده برای سالها در جنبش کارگری ما تاثیر داشته روی ساختمان حزب روند زیاد است. ایدئولوژی حزب توده خسارات زیادی به جنبش کونیستی ایران وارد ساخته است و بهیچوجه نباید بار دیگر همان راه را در پیش

برگزاری جشن ضد خلقی و هزارویانصد مین سال شاهنشاهی، موجی از اعتراض و مقاومت را در میان طبقات و اقشار مختلف خلقهای ایران بوجود آورده است و هر قدر زمان انجام این توطئه نزدیکتر میشود، اعتراض و مبارزه مردم علیه آن شدت بیشتری یافته و توده های وسیعتری را در بر میگیرد.

اخیراً از طرف حضرت آیت الله خمینی درباره این جشن بیاناتی ایراد شد، که باتوجه به مبارزه ضد استعماری روحانیون بمثابه بخشی از پیکار خلقهای ایران علیه سلطه امپریالیسم و برای دموکراسی، باتوجه به سنت مبارزه جویانه بخش مترقی روحانیون علیه امپریالیسم و سلطنت استبداد و بخاطر پیشرویون حضرت آیت

الله خمینی در این مبارزه، ما این بیانات را در ارزیابی بسیار میدانیم و بگرمی از آن استقبال میکنیم. قبل از نقل بخشی از بیانات، باید یادآور شویم که رژیم شاه و سازمان "امنیت" آن که تا بحال درها، نغز از مبارزین را ترور کرده است و دست به خون فرزند ان خلق آغشته میباشند، این بار برای قتل آیت الله خمینی دست به توطئه پلیدی زد که ما نیز همراه کلیه نیروهای مترقی، این توطئه را بر ملا میسازیم و از کلیه مبارزین درخواست میکنیم که برای عقیم ساختن آن بپا خیزند.

بیانات حضرت آیت الله خمینی از آنجا که دارای اهمیت تاریخی است که در آن صریحاً اعلام میشود که اسلام با اساس شاهنشاهی مخالف است، این موضعگیری به نوبه خود برای خلقهای ایران که علیه رژیم منفر سلطنتی مبارزه کردند و کلمه موشی است.

برای کسب استقلال و آزادی، مردم ایران راه دیگری جز ویران کردن اساس شاهنشاهی که همانا بمعنی از بین بردن سلطنت، فتوای ایسم و قطع دست امپریالیسم

## استقرار جمهوری دمکراتیک خلق خواست مردم ما است

# مبارزه در راه دمکراسی

روزجمعه ۱۸ تیرماه اسماصحنه سازی انتخابات - فرمایشی رژیم شاه انجام گرفت. قبل از انتخابات احزاب شه ساخته "ایران نوین" و "مردم" که هر دو وندگی خود را به شاه بارها اعلام کرده اند و تضادشان با یکدیگر تنها در ربهت خدمت کردن به دربار سلطنتی است، ادای احزاب اکثریت و اقلیت را در آورده اند. میتینگهای قلابی انتخاباتی برپا شده اند. به جاروچنگال تبلیغاتی پرداختند و در محیط اختناق که رژیم با قتل دهها کارگروشنفکر و سایر طبقات و اقتدار تحت ستم موجود آورده بود، خیمه شب بازی جدید انتخاباتی را پیاپی دادند. طبق ارقامیکه در روزنامهها آمده است در حدود ۷۰ درصد از رای دهندگان در انتخابات شرکت نکردند. این مبارزه منق در شهرهای بزرگ و مخصوص تهران از همه جا بیشتر بود. آنهاست هم که بیای صند و قهای برای کشاننده نمودند در اشرافار و تبهتیدات دستگاههای نظامی و پلیسی رژیم، بد انجا رفتند.

این صحنه سازی قلابی و عدم شرکت توده های مردم در آن نشان داد که "مکراسی" رژیم در میان مردم طوفانی اندازد. انتخابات اخیر در کارگران تبلیغات هیات حاکمه در پاره "مکراسی" تحت عنوان بسط "مکراسی" همراه با رشد اقتصادی و "مکراسی" برای احزاب طرفدار "انقلاب - سفید" و مواضع ریزینویستهای کینه مندی در این باره ایجا میکند که مانکه نظرهای خود را در باره مقوله "مکراسی و مبارزات دمکراتیک" و هدف نهائی این مبارزات بیان در این جان کلام در مقوله "مکراسی اینست که قدرت سیاسی در دست کیست؟" هنگامیکه قدرت سیاسی در دست مستی فتوال و سرمایید از بزرگ و کوچک روستا، آنگاه برای طبقات خود "مکراسی" بکار میبرند و برای طبقات و نیروهای محکوم: کارگران، دهقانان، روشنفکران و بورژوازی متوسط (ملی)، دیگاتوری. بعکس اگر قدرت در ولتی در دست کارگران و توده های وسیع خلق باشد، آنگاه آنها برای مستی طبقات استثمار گر و مرتجع دیگاتوری و برای رشد شرایط زندگی خود آزادی و دمکراسی بکار خواهند برد.

در ایران کوشش بورژوازی برای رسیدن بحکومت و ایجاد "مکراسی" پارلمانی با اصل تفکیک قوای سه گانه بجائی نرسید. از همان فردای انقلاب مشروطیت چه با خالت امیرالیاست های روس و انگلیس و چه با سازش بخشی از بورژوازی با مترجمین "مکراسی" پارلمانی بورژوازی ایران مکتله شد و بیک "مکراسی" نیمه فتوال - نیمه مستعمراتی " که ماهیتا دیگاتوری فتوالها، کبریا و ورها و امیرالیست بود، مبدل گردید. با آمدن خاندان امپهلوی بر سر کار، در بار تمام قدرت را در دست خود متمرکز ساخت بدینسان دولت موجود شکل سلطنتی - فاشیستی بخود گرفت.

معهد بورژوازی از طرحد درخواست خود و مبارزه برای "مکراسی" دست نکشید و حتی در زمان نخست وزیری د کسمر صدق تا حد و دی به تحقق آرزوی خود نزدیک شد و لسی بسا کودتای امیرالیستها و مترجمین این آرزو را در یگر بباد فنا رفت. بورژوازی متوسط ایران آنقدر ضعیف است و در شرایط کنونی جهان اگر بیکیری در مبارزه علیه امیرالیست از خود نشان دهد، بالا اجبار باید با پرولتاریای انقلابی و توده های خلق هم پیمان شود و در ارد و انقلاب جهانی جای گیرد. در هر حال شانسی برای استقرار "مکراسی" مستقل پارلمانیسی بورژوازی در شرایط کنونی جهان نیست. تنها راه عملی ک قوانین رشد مبارزه طبقاتی در سطح ملی و بین المللی در برابر دیگاتوری نیمه مستعمراتی - نیمه فتوالی کنونی ممکن و میسر میسازد، استقرار "مکراسی" توده های متحد خلق است که پرولتاریا نیروی رهبری کنند آن میسازد. راه رسیدن باین هدف استراتژیکی راهیست طولانی، پریب و خم و قهرآمیز که با بسیج توده ها تحت رهبری حزب کمونیست، ایجاد ارتش کارگران و دهقانان، جمع آوری متحدین زیر پرچم انقلاب - قهرآمیز، ایجاد پایگاههای روستائی و سپس تصرف شهرها طی جنگ طولی مدت توده های امکان پذیر است. چنین "مکراسی" ابتدا در پایگاههای روستائی بمنظور نمونه اولیه دولت "مکراتیک" توده های آینه کشور، مستقر میشود و در نبرد با دولت نیمه فتوالی - نیمه مستعمراتی مرکزی گسترش و استحکام مییابد. پیروزی سراسری را سرانجام بدست می آورد و راه را برای ساختمان سوسیالیسم آماده میسازد. پرولتاریای جوان ایران قدرت انقلابی تازه ایست سرشار از نیروی حیاتی، با وجود قلت کمی، او حاوی جوهر و کیفیت است و در انماز، پرولتاریای ایران تحت رهبری کمونیست، حکومت شوروی توده های خلق را در کیلان بسا قدرت اسلحه بوجود آورد و مدتی نیز نگهداشت. کچه این دولت شکست خورد (رجوع شود به توده شماره ۱۵)

## واقعیت روستای ایران

در زیر گزارش یک زحمتکش ایرانی را از وضع روستاها نقل میکنیم. این گزارش نشان میدهد که چگونه در روستاها ایران مالکین به دهقانان ستم روا میدارند و چگونه مأمورین حکومت، ژاندارها با مالکین "دشمن بهم پسته است" و در حفظ استعمار دهقانان توسط آنها از هیچگونه ظلمی ایاندانند.

"من از خلق .... ایرانم و عمرم ۲۵ ساله است از خانواده فقیرید نیامده ام و تمام عمرم راه راه رو بردارم. ما با هزاران بدبختی و درد ورنج گذرانده ایم. روز و شب در تقلائی نان پیدا کردن بودیم و برای نمونه یک روز را بیاد دارم که نفسی براحتی کشیده باشم، اما بعد از این همه ناراحتی، مالک و ژاندارهای شاه هم زیاد تر از آن در در سرمان میدهند و نمیکند از نانسی به آسودگی بخوریم، محصول جزئی که برای زندگی خانواده کرسنه و برهنمان پیدا میکنیم، ژاندارم و مالک بسزور کک ازمان میگیرند و نان عالممان را میبرند، مالک ژاندارم در .... دشمن بهم پسته است."

دهقان ستم دیده فوق در ضمن سرگشت یکی از دهقانان فقیر ایران را نقل میکند. این سرگشت نشانه ستمی است که مأمورین شاه و مالکین برد دهقانان فقیر ایران روا میدارند.

"در ده .... دهقانی است بنام ... این دهقان هفت سرعائله دارد که چه هایش همه کوچککند قدرت کار کردن ندارند، او خود تنها کارگر خانواده است .... مالک خونخوار این ده نامش .... است و از مالکان منطقه .... میباشد .... روزی مالک دهقان منور را صد کرده و باو میگوید:

- خودت و پسر بزرگت ( که عمرش از ۲ سال بیشتر نیست ) باید بیایدید و مدت ۵ روز در خانه ای که در دست میکم برایم جانی کار کنید و پس از آن ۵۰ روز هم احتیاً به الاغت دارم که چوب بیاورد و اینها همه بجای بیگاری نکالت حساب میکنم

دهقان بیچاره در جواب میگوید:

- خدا قبول نمیکند، من نان هفت سرعائله را میدهم این همه کار از عهد من ساخته نیست، من احتیاج به کمک دارم نه به ظلم.

در برابر مقاومت دهقان، مالک ظالم با عصیانیت به توکران خود دستور داد تا او را بزنند، دهقان بیچاره را بفرار میگرداند تا بخود سر باسیاگاه ژاندارم در برساند و شکایت کند، او نمیدانست که مالک ژاندارم هر دو دشمن بیگدیگر بسته است چونکه آنها هر دو توکر شاه خونریز هستند و شغل آنها غارت کردن خلق فقیر و بدبخت است.

او موضوع را برای رئیس پاسگاه شرح میدهد، رئیس بجای اینکه بشکایت او رسیدگی کند با عصیانیت برخاسته و او را بزرگ کرده و آنقدر میزند تا بییهوش میشود پس از بهوش آمدن باو میگوید:

- توله سگ! باید همین حالا بروی و آنچه مالک دستور داده انجام دهی و برای اینکه حرف مالک گویند اده ای و از دست او شکایت کرده ای باید بدیست تو مان چر بدی.

بیچاره چطور میتوانست بدیست تومان تهیه بکند او فقیر است، محتاج است، چیزی ندارد، حتی نمیتواند شک بجه هایش را سیر کند، چطور میتواند این پوز رانهیه کند؟ ناچار میروند همان روز با کوچک درخت مواس را که از آن در موسم عاید آتش تأمین میشد به ارزانترین قیمت میفروشد و بدیست توین بخدمت سرکار ... رئیس پاسگاه ... میبرد، پس از آنکه از دست رئیس پاسگاه نجات پیدا میکند باو نگهده میشود:

- باید از همین امروز دستور بدهی که کوهکاستانجا پندری و کزنه صد برابر بیشتر از این اندیشه میکنم."

"مالک و ارباب دشمنان بهم پسته است" و ایسن، جمعیتی توده ها از واقعیت موجود در روستای ایران مییابند. مالک و ژاندارم دشمنان بهم پسته است برای اینکه هر دو نهاد مشان یک گرد برآمیشکنند، یکی پایبسته طبقاتی حکومت محمد رضاهیلوی است و دیگری مأمور و افد منافع آن، هر دو جزئی از مجموعه این دستگاه هستند. دستگاهی که به ستمی زمین دار و سرمایه دار و بوروکرات تکیه دارد و ادعای حل مسائل ارضی ایران را مینماید. ما زیر ظلم ارباب نمیرود او خواستار بیمه بود اوضاع است نه تشدید ظلم و ستم، لذا مقاومت میکنم، این مقاومتها و مبارزه ها در میان توده های عظیم هر روز همچون رگه های جویبار جریان دارد. مجموعه این جویبارها هستند که به سبیلی خروشان تبدیل خواهند گشت - سبیلی که بساط ظلم و ستم را از درون جامعه برخواهد کند.



بقیه برای مبارزه با .....

"آیامیلیون هاتومان از سرمایه مردم باید خرج چنین طبعیه و جشن مسخره ای شود و ملت ایران برای کسانیکه در طول تاریخ روسیاه بوده و در همین عصر ما این همه ظلم و ستم و جنایت میکنند و فحشاء و فساد راه میاندازند جشن بپاکنند؟"

"ملت مسلمان ایران موظفند از شرکت در این جشن غیر مشروع خودداری کنند و با آن مبارزه منفی نمایند، در روز های جشن از خانه های خود خارج نشوند و از اثر کنند و شرکت کنند این جشن به هر وسیله ممکن اظهار تنفرو انزجار نمایند، برپا دارندگان این جشن باید بداند که منفور جامعه اسلامی و ملت زندهد نیامیاشند."

"ما هم اگر زنده باشیم، اتحاد و هماهنگی داشته باشیم پیش میبریم ولی معالافهرنگد اما ما برای خود رأی و نظری نداریم البته اگر صد میلیون نفر آرای صد میلیون رأی مختلف باشند نمیتوانند کاری کنند - بد الله مع الجماعت - اجتماع و اتحاد لازم است، از افراد متفرق کاری ساخته نیست."

جشن دوهزار و صدمین سال سلطنت استبدادی، توطئه دیگری است برای تحمیل خلقهای ایران و طارت و چپاول دسترنجشان، این جشن زمانی برگزار میشود که مردم زحمتکش میهن ما، کارگران و دهقانان، کسبه تجار ملی و دیگر اقشار و طبقات جز مشتی معدود در فلاکت و ستم دیدگی بینظیری بسر میبرند.

برای این جشن میلیون هاتومان صرف خواهد شد غلام ربار اسد الله علی با کمال وقاحت از مردم فقیر کشورمان میخواهد لحاف و آفتابه و لگن و در آوردن و بفرودشند و صرف این جشن کنند.

در شرایطی که کودکان ایرانی از فقر گرسنگی به چرامیروند رژیم شاه از فرانسه، معروفترین رستوران پاریس بنام ماکسیم با هواپیماهای مخصوص برای ... نفر در طول جشن غذا حمل میکند.

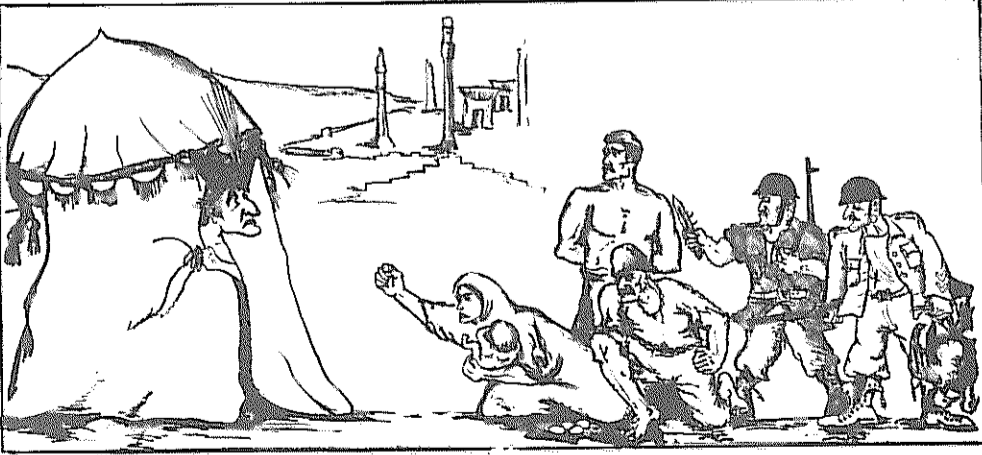
در شرایطی که کارگران ایرانی در زانغه های سیر میبرند و دهقانان ایرانی در میان کفایت حیوانات زندگی میکنند برای افرادی نظیر جانسون، قاتل هزاران ویتنامی رزومند چادر با هوای تهویه، آب گرم سرد و ملبه ای گران قیمت برپا میدارند. باز در کمال بیشرمی مدعی میشوند این جشن، جشن خلقهای ایران است.

جشن خلقها ایران، بر فراز بونه کاخهای حکومت شاهان برقرار خواهد شد.

جشن خلقهای ایران در کشوری آزاد و مستقل که از ویرانه جامعه فعلی بیرون آمده است و حکومت در دست اکثریت عظیم خلق یعنی کارگران و دهقانان قرار دارد برگزار خواهد شد.

وظیفه کمونیستهاست که توده های مردم را علیه جشن سلاطین بسیج کرده و در این مبارزه آگاهی سیاسی آنان را بالا ببرد.

باشد که در این بیگار کمونیستها باید مترگردند و در جهت پیوند با کارگران و دهقانان به پیش روند وحدت نیروهای مترقی عمیقتر کرد، خلقهای ایران آموزش، انقلابی دیگری گیرند و برای سرنگونی نهائی رژیم بسیج و متشکل شوند.



## پنجاه و یک سال از تأسیس حزب کمونیست ایران میگذرد، از سنن انقلابی آن پیاموزیم

### بخشهایی از دفاعیه بطحائی

در روزی مابخشی هائی از دفاعیه مسعود بطحائی را که در ریداد گاههای رژیم شاه ایران کرده است و حاکی از روحیه برشور و ایمان او به امر خلق میباشد نقل میکنیم .

" در تاریخ ۸ دیماه ۱۳۴۸ در خرمشهر دستگیر و مستقیماً بسازمان امنیت آن شهرستان منتقل شدم . در دید و ورود سمنفر از دژخیمان ساواک بمن حمله ور شده و با سیلی و مشت و لگد به پاره کردن لباسهایم پرداختند و گویا منظورشان از این عمل بازرسی بدنی بود . با جوتوی توام با جرح و ضربت تاپاسی از شب گذشته اد اهداشت ، روز بعد بزند آن شهر بانی خرمشهر منتقل شد . در یکی از مستراحهای آن زندان محبوس گردیدم . مدت ۱۰ روز در این باصطلاح سلول در دیدترین شرایط گذراندم . بیکواختی زندان را ۵ ساعت با جوتوی همراه با شلاق و مشت و لگد بهم میزد . در تاریخ ۱۹ دیماه به شکنجه گاه اوین منتقل شدم . در این باصطلاح زندان کتا انسان نبیند محالست تصور روشنی از آن در ذهن داشته باشد ، مسجد را باز جوتوی توام با شکنجه های جسمی و روحی با بشیرمانه و وقیح ترین شیکن آغاز شد . من در باره شکنجه ها - در باره جنایت شکنجه چیان ساواک - در باره وقاحت با جوتویان دستگاه جهنمی سلب امنیت ایران چیزها شنیده بودم و ولسی نمیدانستم که رفتار آنان تا این حد وحشتناک و ضد انسانی است . ما موریین شکنجه من چهارتن از زیدترین دژخیمان ساواک بودند . سیاحتگر ، عطاپور ، مشهوری و دکتر حسین زاده ، باصری ، مشهوری به عضدی ، بیگری معروف به مهندس سوسوفی و جوانک دیگری مشهوری به مصطفوی . اینان در جلسات متعدد با جوتوی انواع شکنجه های نو و کهنه را در باره من اعمال کردند که شلاق و مشت و لگد زمینه اصلی آنها بود . چندین بار شوک الکتریکی دادند و در اکثر مراحل با جوتوی هفت تیری روی شقیقه من نهادند و تهدید به شلیک میکردند و از این بالاتر و بار برای من صحنه اعدام ساختند و بیستین بد درختان باغ اوین و احضار جوشه آتش مرا تهدید میکردند . . . آنها در عین حال از تطمیع من غافل نبودند . . . و نیکو چون من طبق میلشان رفتار نمیکردم ، شکنجه ها از نو شروع میشد . آری من طبق میل آنها رفتار نکردم و بخود و خلقهای مستعد و محروم را که از میان در در و رنجشان زاده شد ، با هر ازای آزاد ، شکنجه و ختم و خلق

## ستاره سرخ و خوانندگان

دوست مبارزی مینویسد :

" در مدت چند سالیکه از خواننده هام در پیروم حتی یک برگه هم برایشان نفرستادم . تنها یک دفعه در وقت حمله فرستادم که بعد اطلاع یافتم مبلغ ۳۰۰ ریال گهرگان ایران بابت این دو عدد در حوله دست خشک کنی از آنها گرفته بود است . این عمل ما موریین گمرکی چنان سرتاسر روز اوقاتم را تلخ نمود که ظهر هنگام غذا خوردن از شدت بغض و کینه به داغ بودن غذا توجه نکردم چون هان خود را سوزاندم .

در ایران اگر مراجعین ادارات دولتی مثل خود گردانند گف سازمانهای دولتی قائلانق و دریده نباشند در آخر کار مجبور میشوند کت و شلوار خود را هم بگورند . گمرک ایران واقعا در راس یک چنین اداراتی است .

موقع حرکت مبلغ ۱۴ هزار ریال برای دریافت گذرنامه و باصطلاح عوارض فرودگاه به ادارات دولتی پرداخته بودم و بطریق پرداخت گذرنامه بین المللی ، دایره گذرنامه تصدیق گرفته بود که حق ندارم مثلا بفلان کشور مسافرت کنم یا در فلان کشور تحصیل نمایم . باتمام این ادوات و اطوارها میرد اخت عوارض مختلف هنگامیکه هدیه ای که سرتاپای آن در خود ایران ۲۰۰ ریال ارزش دارد برای ما مردم میفرستد ، گمرک طاع شاهنشاهی ایران مبلغ ۳۰۰ ریال حق گمرک از آن میکیرد ( در حالیکه بسیاری از پروژها و اکیرادورها و پروژها و کراهنها عوارض نمیرد ازند ) . ای صدمت به انصاف و صورت زدن سرگرد نه ! این قانون مرد است یا غارت مرد ؟ اگر ادارات دولتی ایران براههای جبر و اجور کیسه مردم فقیر و زحمتکش را نزنند پس از کجا اعلی حضرت میتوانند برای جشنهای خود میلیونها تومان خرج کنند و از پنج هزار مهمان خارجی سه شبانه روز پذیرایی کنند ؟

مگر ما متعلق باین آب و خاک نیستیم . مگر پدرم ۳۰ سال متوالی چاه فاضل آب حفرتن میکرد ؟ پس چگونه بود وقتی که مهمانی از سر لطف با ما میسرند انکار که عزیزان آمده است ، همه دست و پای خود را مگریم و برای تهیه نهار مهمان عزرا میگرفتم ؟ این ۳۰۰ ریال خرج سه روز خانهاست . اما اگر گمرک ایران شرم نکرده و در یک چشم بهم زدن و با اجرای چند شامورتی بازی خرج خانه ما را بنام قانون برود است ، این نتیجه همان " انقلاب اداری " است که در تحقیقت که فشارهای مالیاتی را بر کرده زحمتکشان و بسی چیزان زیاد تر کرد و دست انحصارگران را بازگذاشته است .

باید بگویم ، بیاد دارم ۱۸ سال پیش تقی روحانی چگونه باد در گویانند اخت و از شدت میکرفتم پای را دیو به هموطنان فقیر ما بهشت نوبنی را و ده میداد ، حال این همان بهشت موجود است که میبینیم . همان بهشتی است که پدرم در چاه فاضل آب آن خفه شد و تنگ های گوشت برادرم به سقف کارخانه . . . جسیید . از آن ایام پدر در وحشتناک چه سالها کنگشت ، هنوز هم زندگی ما بسر همان طریق حراج و بیداد است .

" ستاره سرخ " : نامه این دوست بدو دلیل برایمان قابل توجه است : اول اینکه او درم و رنج خود را از طریق " ستاره سرخ " بانود هادرمیان میگارد و این نمونه بسیار آموزنده و خوبی برای ما میباشد . دوم اینکه در آن مسایل زنده و مشکلات روزمره هم میهنان ما مطرح شده است . این نامه یک نمونه از صد هانومنه دیگر ، یک واقعه از هزاران واقعه دیگر است که هر روز خلقهای ما بروی پوست و گوشت خود لمس میکنند . از این بردن این ستمها و حق کشتیهای رژیم سر - سیرد ه ایران بر تود ه های زحمتکش کشور ما اعمال میکند تنها از طریق وحدت با اکثریت عظیم خلق و دست زدن بقهر انقلابی امکان پذیر است . این منطق را باید عمیقاً درک کنیم ما از این دوست مبارز میخواهیم باز هم نامه بنویسد و همکاری خود با " ستاره سرخ " ادامه دهد .

دوست مبارز دیگری مینویسد :

تا هنامه ستاره سرخ در شماره های اخیر خود بخوبی از عهده وظیفه انقلابی برخورداریم بمسایل حاد جنبش در پرتو مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه و ن برآمده است " اضافه میکند " ستاره سرخ میبایست حتی المقدور از اخبار جنبش کارگری و دهقانی ایران تغذیه کرده و هم خود را بجل مسایل مربوط بآن معطوف کند . " ستاره سرخ باید بروی مواضع برارزش " انکاء به نیروی خود و لزوم حفظ استقلال که پدیده نوئی در جنبش کارگری ایران بوده از نظر گریمن دستاوردهای مبارزانه چند دهساله اخیر مردم ایران محسوب میشوند هر چه بیشتر

پافشاری کرده برای آشنائی وسیع توده ها با این مواضع که دارای اهمیت حیاتی هستند و چنانچه اختن آنها در افکار مبارزان هر چه بیشتر تلاش کند . " انتشار سلسل مقالات تحت عنوان " واقعیت روستای ایران " قدمی مهم جهت آشنائی روشنفکران با زندگی و مبارزات دهقانان بوده و به طریق اولی کام بزرگی در راه پیوند با کارگران و دهقانان میباشد . برای ایجاد تنوع در این مقالات و زدودن رنگ یگواختی از آنها پیشنهاد میکنیم که مقالات را تا حد امکان از حالت صرفا خبری بیرون آورده و رابطه ارگانیک بین اجزا مختلف یک مقاله که معمولا در یک شماره چاپ میسرسد بوجود آید . "

" ستاره سرخ " : ما با مسائلی مطروحه از جانب تو موافقیم و در مورد پاره ای از آنها نیز در تصحیح " ستاره سرخ " های اخیر اقدام نموده ایم . از جمله " واقعیت روستای ایران " را سعی کردیم قدری از حالت صرفا خبری بیرون آوریم . این موضوع را بعد دیگری از خوانندگان " ستاره سرخ " نیز تذکره دادیم . در مورد اخبار جنبش کارگری و دهقانی ایران و میان داستانهای از مبارزات خلقهای ایران ، امکانناحان بجل عینی در پیوند از آنها محدود میباشد . البته این پیشنهاد نخواهد شد تا ما ستاره سرخ را در جهتی که تو پیشنهاد نمودهای سوق ندهیم . بعنوان مثال در شماره های ۱۳ و ۱۴ ولسی متاسفانه آن امکانات همیشه در اختیارمان نیستند و همین جهت انتظار همکاری بیشتری را از طرف خوانندگان خود داریم و میخواهیم با فرستادن اخبار ، اطلاعات ، داستان در مورد مبارزات توده ها به ما کمک کنند .

در باره اصل انکاء به نیروی خود و اهمیت کاراید تلوویزیکی در باره آن که تاکید میکنی ، باتو کاملاً هم عقیده هستیم ، ولی باید یاد آور شویم که آن پدیده نوئی در جنبش کارگری ایران نیست و مبارزات خلقهای ما در ۶۰ سال اخیر این واقعیت را بروشنی نشان داد است . این تنهارهبری حزب توده ایران بود که از اصل انکاء به نیروی خود پیروی نکرد و به نیروی لایزال توده ها ایمان نداشت . زیرا تعداد زیادی از کارگران و زحمتکشان میهن ما که در مبارزات آن فعالانند شرکت میکنند ، در اندیشه و عمل به نیروی خود انکاء داشتند . فقدان یک حزب و اقهارولتری باعث شد به بود که این ایده تلوویزی بطور کامل و وسیع اجرا نگردد .

تلفیق مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه و ن بسر شرایط مشخص جامعه ایران ، مستقل اندیشیدن و مستقل عمل کردن ، تکیه به نیروی خلق توده ها از جمله وظایف خطیر مارکسیست - لنینیستهای ایرانی میباشد . پیروی از اصل " انکاء " به نیروی خود " را ما بمعنی فوق درک میکنیم . اجرانمودن آنرا بمعنی انحراف از اید تلوویزی پرولتری و در نتیجه دوری از خواست انقلابی خلقهای خود میدانیم . مارکسیست - لنینیستها بر اساس پیروی از انترناسیونالیسم پرولتری از کمک و پشتیبانی احزاب و خلقهای برادر استقبال میکنند و متقابلاً به آنان کمک مینمایند و از آنان پشتیبانی میکنند ولی همیشه و بطور عمده به نیروی خود و نیروی خلق خود متکی هستند .

۷ ۷ ۷

نامه های فراوان دیگری اخیراً بدست ما رسیده است ، که حاکی از توجه دوستان مبارز ما به " ستاره سرخ " میباشد لفظ این نامه ها مربوط به مقاله " انقلاب تا به آخر " شماره ۱۱ ستاره سرخ میباشد که به علت مکان محدود و وسیع بودن مطالب مطروحه فکر کردیم شاید بهتر باشد در آینده طسی مقالاتی به سئوالات و مسایل دوستان مبارز خود جواب بگوئیم . نقطه نظرها و راهنماییهای این دوستان مبارز را ما آموزنده بودن و باعث شدند که درک ما از مسایل مورد بحث بالاتر رود . امید داریم رابطه ستاره سرخ با این دوستان در آینده باز هم فشرده تر و محکمتر گردد .

## با ما همکاری کنید! برای رزمند تر کردن « ستاره سرخ » بما انتقاد کنید

نشانی

توده و ستاره سرخ

آدرس پستی: Mmo. PAOLA DI CORI C.P. 493 S.SILVESTRO ROMA - ITALY

بقیه دست امیرالیزم را این دوتاه ؟ . . .

صنایعی که فزاند و دمنای کشورهای امپریالیستی و سوسیال - امپریالیستی است همینگونه خود این وابستگی را نشاند میدهد . بطور خلاصه باید گفت : ورود سرما یوزایی به ایران - در چار - چوب توافق با سرما باید اران امریکائی صورت گرفته است .

امپریالیسم امریکاد که در مبارزه خلقهای جهان و در پیشاپیش آنان خلقهای هند و چین منفرده شده با طرح " سیاست اقتصاد - آسیائی " میکوشد بانظامی کردن اقتصاد زاین و استفاده از زاین برای نفوذ بیشتر در کشورهای آسیا ، سلطه خود را هم چنان حفظ کند . رژیم شاه از طریق کماندن سرما یوزایی عمل به این استراتژی اقتصادی و جنگ طلبانه امپریالیسم امریکا خدمت میکند و نظاره شاه به پیروی از " سیاست مستقل ملی " و " مبارزه با امپریالیسم " ( انگلیس ) و صلح خواهی " دروغ بی - شرمانه ای پیش نیست .

کماندن سرما یوزایی امپریالیستی و سوسیال - امپریالیستی به ایران عملاً استقلال کشور ما را هر چه بیشتر ازین میبرد و همین ما را وابسته تر میسازد . از این طریق استعمار خلقهای ایران و غارت منابع طبیعی کشور ما بدست سرمایه های خارجی و مرتجع های داخلی تشدید میشود .

در برابر این همه خیانت که در لفافه کشف تظاهره " استقلال ملی " صورت میگردد ، لزوم مبارزه متحد خلقهای ایران برای درهم شکستن بساط غارتگری سرمایه های خارجی را در ایران بیش از پیش ایجاب میکند .

نیل به آزادی ، استقلال ، صنعتی شدن و سهیود وضع زنجیر جامعه ماجرا از طریق واژگون ساختن رژیم مستبد سلطنتی محمد رضا شاه که نماینده امپریالیسم ، سرما یوزاری پرورکرات و فئودالیسم است ، جز از طریق بدست گرفتن قدرت حاکمه توسط کارگران و دهقانان تحت رهبری حزب طبقه کارگر و ایجاد جبهه متحد خلق برهبری این حزب و ایجاد جمهوری دموکراتیک نوین امکان ندارد . اینست راهیکه خلقهای ایران هر روز کام جددید در آن برمیدارند و مسلماً ایران را بگورستان سرمایه های خارجی تبدیل خواهند کرد .

خلقهای ایران قاطعانه خواستار تمامیت ، استقلال و حق تعیین سرنوشت برای خلق ویت نام برادر هستند و از پیش نهاد ۷ ماد های دولت موقتی انقلابی ویت نام جنبی پشتیبانی مینمایند .

بقیه مبارزه در دو جبهه . . .

پروسه منفرده شدن امپریالیسم امریکانفته نهاد در اخل رشد میکند ، بلکه در سطح جهانی هم در جریان است . خلقهای جهان مصرانه خواهان خروج امپریالیسم امریکا از هند و چین میباشد و قاطعانه از مبارزات خلقهای هند و چین پشتیبانی مینمایند . بحران در لاروامتناع کشورهای اروپائی در تحمل نوسانات اقتصاد امریکا ، هر چه بیشتر باین انفراد او کمک میکند .

حکومت های دست نشانده " وان تیو " ، " لون نول " نیز گشته از تضاد های درونی ، از خطر در رهپاشیدگی مصون نیستند ، و همواره ارباب خود در محل مشکلاتشان در چارسردرگمی هستند . خلق قهرمان ویت نام از ۲۳ سال پیش علیه تجاوز کارگران امپریالیستی و دست نشانده گان نهجی آنان میجنگد .

ایمان راسخ ، حقانیت و استقامت این خلق شکست ناپذیر باعث گردیده تا در سخت ترین مراحل و شرایط بتواند در مقابل دشمنان ایستادگی نماید و قدم بقدم موفقیت های خوش را مستحکم تر نماید . بطوریکه امروز این خلق نمونه استقامت و پیگیری در مبارزه برای تمام خلقهای زیر ستم گردیده است .

پروسه ای را که خلق ویت نام پیروده ، پیروسه تحکیم و توسعه نیروها و تشکیلات خلقی در راه بدست آوردن استقلال ملی میباشد . نقطه مقابل و متضاد آن پیروسه است ایست که امپریالیستهای تجاوزکار امریکاطی مینمایند که بطور اجتناب ناپذیری به درگرونی و از هم پاشیدگی کسی آن منجر خواهد شد .

پیشنهاد صلح دولت موقتی انقلابی ویت نام جنوبی در زمانیکه خلقهای هند و چین پیروزیهای بینظیری کسب نموده ، در زمانیکه امپریالیسم امریکایی از هر زمان منفرده تر و بیچاره تر گشته ، از موضع قدرت و حقانیت ارائه شده است . خلقهای هند و چین در اثر چندین سال تجربه در میدانهای نبرد و درگیریهای سیاسی ، به سه مجروح مندی " و " موقع شناسی " امپریالیستها اطمینان ندارند ، عوامل مختلفی نشان میدهد که تجاوزکاران راه دیگری جز قبول شکست مادی و معنوی خود در ویت نام ندارند و مجبورند در یازود بساط خود را از هند و چین برای همیشه بر چینند ، ویت نام قهرمان نشانده دیگری از عهده بودن جریان انقلاب در جهان است .

# به پیش در سمت پیوند با کارگران و دهقانان

# دست امپریالیسم ژاپن کوتاه!

# مبارزه دردوجبهه

باورود هیات ۳ نفری سرمایه‌گذاران بزرگ ژاپن بریاست "کوکورو اوکوه مورا" رئیس‌فرد راسین سازمانهای اقتصاد (کای دانرن) ، ۲۳ فروردین ماه امسال به تهران ، مذاکرات با دولت ایران برای سرمایه‌گذاری بازرهم بیشتر ویرد امنه‌تر ژاپنی در رشته‌های مهندسی ، گاز ، پتروشیمی ، معادن ، ماشین‌سازی ، الکترونیک ، آهن و فولاد ، صنایع جنگلی و کشاورزی آغاز شد . بلندگوهای تبلیغاتی رژیم روزنامه‌های دولتی جارو - جنجال وسیعی بنفع سرمایه‌گذاران ژاپن در ایران برآوردند . اختند و همانطور که سال پیش ، بهنگام برگزاری کنفرانس سرمایه‌داران بزرگ امریکائی در تهران ، مذبحانده‌ها عاگردند بزودی به برکت سرمایه‌های امریکائی ایران بهشت برین خواهد شد . این بار نیز چنین وانمود ساختند که کشاندن سرمایه‌های ژاپنی با ایران ، نه تنها بضر استقلال اقتصاد کشورمان نیست ، بلکه باعث رشد اقتصاد ایران خواهد شد .

ولی واقعیات چنانکه خواهیم دید خلاف این ادعاهای افسانه‌سازانه می‌دهد . نفوذ روزافزون اقتصاد و فرهنگی ژاپن در ایران به نفع نفع امپریالیسم امریکا ، حمله مشترک و سهم پیوسته این دو امپریالیسم به اساس استقلال اقتصاد و سیاسی میهن‌ماست و مذاکرات اخیر سرمایه‌گذاران ژاپنی با رژیم شاه نیز در رابطه مستقیم با توسعه بازرهم بیشتر نفوذ امپریالیسم امریکا و هم - ستاندن در ایران میباشد .

برای اینکه ماهیت غارتگرانه این سرمایه‌گذاران کیم ابتدا به بررسی هدفهای امپریالیسم ژاپنی از فرستادن هیات نمایندگی به ایران ، معیبرازیم : روزنامه ژاپنی "مانیچی" (۱۶ فوریه ۱۹۷۱) نوشت: "دولت با محافل بانکی و صنعتی مشغول مذاکره برای فرستادن هیات بزرگ برای محظالمه در مورد مواد خام کشورهای خارج (ایران و اقیانوسیه) میباشد . بنابه نظر مقامات دولتی و تجاری رقتن این هیات در ارتزاد یاد قیمت نفت و نیز برای دست یافتن به منابع طبیعی است" (تکیه روی کلمات ازماست)

بنابراین ، هدف سرمایه‌گذاران ژاپنی در ایران در درجه اول این بود که بتوانند نفت ارزان قیمت برای صنایع ژاپن که احتیاجاتش به نفت به ۴۰۰ میلیون تن تا سال ۱۹۸۰ خواهد رسید ، پدید آکنند و ثانیاً برای صنایع خود مواد خام بدست آورند . باورود هیات نمایندگی ژاپن به ایران مقامات دولتی و روزنامه‌های سرسپرد به باصراحت و بیشرمی خاصه غلغلای امپریالیسم ژاپن را به سرمایه‌گذاران در ایران بیان داشتند که عمد آنها بقراریزاند :

۱- بدست آوردن نفت ارزان قیمت : قیمت هر بشکه نفت در اروپا ۳۰ سنت است در حالیکه ژاپن ۲۱۰ سنت میبرد از هر بشکه را ۲۰ سنت ارزانتر از کشورهای اروپائی میخرد . شاه به مخبر روزنامه "مانیچی" (۲۰ آوریل ۱۹۷۱) گفت که اگر ژاپن تمایل خود را به سرمایه‌گذاری در ایران نشان دهد ، تمام مسایل از قبیل از یاد قیمت نفت راحل خواهد کرد و به ژاپن امکان خواهد داد که نفت ارزان قیمت بدست آورد . مطابق گزارش خبرگز اریه‌ها راه جاری قرار داد مهمی بین دولت شاه و ژاپن در مورد استخراج نفت در منطقه لرستان که یکی از بزرگترین میدانهای نفتی خاورمیانه است بسته شده است .

۲- قبضه کردن بازار داخلی روزنامه کیهان (۲۶ فروردین ماه) نوشت : "در صورتیکه ژاپن با همکاری با بخش عمومی و بخش خصوصی ایران ، صنایعی در ایران ایجاد کند دستکم بازار داخلی ایران را در انحصار خود در خواهد آورد" و "در صورتیکه کالاها را از طریق تولید شود ، بکلی از زانی هزینه حمل و همچنین قدرت وارداتی ایران ، فروش آن به آسانی امکان پذیر خواهد بود" .

۳- استفاده از نیروی کار ارزان : در این مورد وزیر اقتصاد رژیم هوشنگ انصاری وقیحانه به سرمایه‌داران ژاپنی اطمینان داد که "در ایران کار خوب ، کارگری که دستمزد مناسب می‌گیرد و خیلی سریع تعلیم مییابد و خود را با مقتضیات و تحولات تطبیق میدهد فراوان است" (کیهان ۲۸ فروردین) . نمایندگان رژیم همچنین از "آرامی محیط کارگری" و "ثبات سیاسی ایران" که چیزی جز وجود دیکتاتوری فاشیستی - سلطنتی محمد رضا شاه نیست ، صحبت کردند و به امپریالیسم های ژاپنی قوت قلب دادند که آنها خواهند توانست در زیر سر نیزه‌ها فزادگان شاه به استثمار کارگران بهرنحوی که میل داشته باشند ، ببرد ازند .

۴- وجود منابع سرشار زیرزمینی : وزیر اقتصاد در این مورد نیز به هیات نمایندگی ژاپن اطمینان داد که آنها خواهند توانست در غارت "منابع سرشار زیرزمینی و بدست گرفتن مدتی

در بخشهای فعال اقتصادی" که چیزی جز رطب و اخصا گداشتن ثروتهای طبیعی ما و ادراره امروا اقتصاد ایران بدست امپریالیسم ژاپن نیست ، بکاربرد ازند .

۵- دسترسی به بازارهای وسیع خارجی : رژیم ایران همچنین اطمینان داد که با استفاده از شرایطی که برای امپریالیسم ژاپن واپنی بوجود خواهد آورد ، آنها قادر میشوند کالاها را گران قیمت تر با قیمتی ارزانتر در ایران تهیه کنند و از ایران به مثابه پایگاهی برای دست یافتن به بازار یک میلیارد نفری کسه مناطق هند وستان ، خاورمیانه ، شرق افریقا ، شوروی و کشورهای اروپای شرقی را در برمیگیرد ، استفاده نمایند .

بنابه اعترافات فوق ، صد و سرمایه ژاپن با ایران در واقع نه تنها احتیاجات ژاپن را از نظر مواد خام ارزان قیمت و نفت تامین میکند ، بلکه بعلت آزادی عملی که رژیم بدست نمانده شاه به سرمایه‌گذاران ژاپنی میدهد ، آنها از طریق استثمار بیرحمانه کارگران ایرانی ، فروش محصولات خود در ایران ، با انحصار آوردن بازار داخلی ، بازرهم بیشتر به غارت خلق های ایران خواهند پرداخت و حتی نفوذ اقتصاد و سیاسی خود را در خاورمیانه و سایر کشورهای مجاور از طریق استفاده از ایران ، توسعه خواهند داد .

هدف طبقات حاکم که رژیم شاه نمایند آنهاست از این کار چیست ؟ طبقات حاکم که باتکیه بقره ضد انقلابی و حمایت مستقیم امپریالیسم امریکا و سوسیال - امپریالیسم شوروی بر جای مانده اند ، بنابراین ماهیت ضد خلقی خود ، سیاست اقتصاد درهای بازار اجرامیکنند ، کشور ما را بیدان تاخت و تاز سرمایه‌های بین‌المللی مبدل مینمایند تا به اتفاق هم - ستان امپریالیسم خود بخارت هر چه بیشتر منابع کشور ما و استثمار خلقهای ایران ببرد ازند . بر این اساس است که ایران را به نمایشگاه صنایع مونتاژ تبدیل کرده اند ، صنایعی که سود کلانی برای سرمایه‌داران خارجی و دلان داخلی آنها فراهم میسازد .

صادرات ایران نمونه دیگری از وضع غارت منابع طبیعی ما را توسط امپریالیسم ژاپن نشان میدهد . در سال گذشته حجم صادرات در حدود ۵۸ درصد نسبت به دو سال پیش بالا رفته است در حالیکه میزان ارزش صادرات فقط ۱۴ درصد ترقی کرده است . این ارقام منابع دولتی کوه بازرسی است که بطور عمده مواد خام مورد احتیاج امپریالیسم که مستقیماً در خدمت صنایع آنان قرار میگیرد ، صادر میشود و در سرمایه ژاپنی با ایران ، صد و این مواد را بازرهم نشندید خواهد کرد .

نمونه دیگری از استکی اقتصاد ایران به سرمایه‌های امپریالیستی گرفتن وامهای متوالی رژیم است که هر سال قوس صعودی را میببایند . رژیم شاه تنها در سال (۱۳۴۳-۱۳۴۸) در حدود ۲ میلیارد ریال وام گرفته است و احتیاجش بگرفتن وامهای جدید مرتباً افزایش مییابد . این امر نشان میدهد که ریختن سرمایه‌های خارجی چون زهری در شرابایان اقتصاد کشور نه تنها مشکلات اقتصادی رژیم راحل نمیکند بلکه روز بروز باین وابستگی و عدم استقلال دامن میزند . بنابراین ادعای رژیم شاه در باره صنعتی کردن کشور چیزی جز بازگذاشتن دست غارتگری امپریالیسم است و ایجاد بقیه در صفحه ۳

رفیق "نگوین تی بین" وزیر امور خارجه دولت موقتی انقلابی ویت نام جنوبی ، در اول ژوئیه امسال پیشنهاد صلحی را که در نتیجه تنظیم گشته بود به صد و نوزدهمین کنفرانس صلح پاریس ارائه داشت .

اولین و مهمترین نکته در این پیشنهاد ، تعیین تاریخ خروج و بیرون کشاندن تمامی وید و قید و شرط ترسش امریکا و سایر کشورهای اذخاک ویت نام میباشد . در این نکته همچنین یاد آوری میشود که در جریان بیرون کشاندن قذرف های خارجی تجاوزگر ، جبهه آزاد بیخشان تمهید مینماید زندانیان امریکائی و سایر زندانیان خارجی را آزاد نماید ، این ماده شامل طلبانان امریکائی زندانی در شمال تیز میباشند . در این نکته اعلام آنترس نیز پس ، از توافق بروی قرارداد صلح آورده شده است .

نکته دوم ، امریکارا مجبور میکند که از کمک بیشتر به دروخته "تو" دست برد تاشرا ببط برای برقراری یک حکومت ملی ، بر اساس روحه تئوریهای وسیع خواهان صلح بوجود آید . نکته سوم یاد آوری میشود که ویت نامی ها بر اساس توافق ملی ، برابری و احترام متقابل ، بدون دخالت کشورهای خارجی مشترکاً مسئله نیروهای مسلح را در جنوب حل خواهند کرد .

نکات دیگر مربوط است به امر واحد تویت نام ، سیاست خارجی ویت نام جنوبی ، مسئولیت خسارت وارد از طرف امپریالیسم امریکائی و ویت نام ، آخرین و هفتمین نکته توافق بر سر اینکه این قرارداد ضمانتین المللی داشته باشد ، آورده شده است .

رفیق نگوین تی بین بعد اطلی مصاحبه‌های اظهار داشت : "پیشنهاد صلح دولت انقلابی موقتی ویت نام جنوبی بمثابة یک جمع بندی از اوضاع کنونی ویت نام و بعنوان وسیله ای نوین برای پیشبرد مبارزه و برقراری صلح در ویت نام تلقی میشود ."

از این طرح پیشنهادی صلح ویت نام شمالی و چین توده‌های پشتیبانی کردند .

آیا مبارزه در این جبهه سیاسی ختم جنگتجاوزی امپریالیسم امریکائی را نیز همراه خواهد داشت یا نه ، مساله ایست که پاسخ آنرا در آینده خواهیم دانست ، ولی آنچه مسلم است ، امروز در نباله تجاوزات - امپریالیسم امریکا و مقابله و نیروهای بزرگ خلقهای هند و چین شرایطی بوجود آمده که جنبه مهم و انکارناپذیر آن عجز و ناتوانی امپریالیسم در راحل مشکلات "ویت نامی" خود و رشد بازرهم بیشتر نیروهای انقلابی در این منطقه میباشد . شکست های پی در پی ارتش امپریالیسم امریکا و سایر ارتش‌های پושالی در جبهه‌های مختلف هند و چین به واقعبیت و روزماری تبدیل گشته است و بعد از شکست فاحش تجاوزکاران امریکائی بدست نشاندگان او در لائوس ، نقاط وسیعی از هند و چین آزاد کردید و تحت کنترل محکم ارتش‌های آزاد بیخشان و خلق درآمده است . این شکست‌ها شرایط بسیار مساعدی برای امپریالیسم امریکا بوجود آورده است . پیروزیهات اخیر نشان میدهد که "ویت نامی" نمونه

## قربانی ، اراده استوار خلق را تقویت میبخشد

در بهار خونینی که گذشت ، رژیم جنایتکار شاه بارد یکسر دست خود را به خون دهبانان از فرزندان خلق آغشته ساخت در اعصاب کارگران کارخانه "جیت جهان" ۱۹ تن از کارکنان قهرمان مادر زینور گیاره مسلسل زاندها را بهای شاه شهادت رسیدند . رژیم همچنین در رابطه با گروه سیاهکل نیز دهبانان از روشنفکران مبارزان انقلابی را به قتل رساند که اعدام و تن از مبارزان شهید احمد خرم آبادی و کاظم سلحی در روز دوشنبه ۱۴ تیرماه ازجدیدترین جنایتهای آن میباشد . خلقهای ایران بهارهای خونین دیگری نیز بخاطر دارند تنها در سال گذشته دوتن از قهرمانان خلق آیت الله سعیدی و حسن نیک دودای زینور شکسته در تخیمان شاه شهادت رسیدند و دهقان مبارز و انقلابی قتیقه حمسین (کاوه) بدست مزدوران سازمان امنیت ترور شد . شهید شدن اسماعیل شریف زاده در جنگ با ارتش رزور شاه در بهار ۱۳۴۷ ، شهادت رسیدن هزاران تن از مبارزین خلق در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ ، اعدام کمونیست مبارز و قهرمان ملی ایران خسرو روزبه در اردیبهشت ماه

جنگ‌ها و چین "کاملاً با شکست مواجهه کردید و پیشرفت اوضاع مناسب با منافعه طلبی خلقهای هند و چین میباشد .

دین راسک ، یکی از زمره‌های امپریالیسم امریکائی در توجیه مسئولیت های سران کاخ سفید ویتناگون کسه همیشه حقایق را پوشانیده و در مقابل افکار عمومی وارونه جلوه داد و اند: عاجزانه اعتراف نمود " امریکای قدرت - استقامت و بیاداری ویتنامیها کم بهاداد بود" .

رسوایی دهشت‌حاکم امپریالیستی امریکا اخیراً بسا درج گزارش "مک نامارا" در مطبوعات امریکا تشدید یافت و خلق امریکا بجهان را از ماهیت جنگ افروز و چهره کریه و آدمکش آن مطلع ساخت .

خلق امریکا امروز بروشنی میدانند که حادثه "خلیج توئینک" ساختگی بوده و عمد از ما عیاقیل برای تجاوز هوای بیخاک ویت نام شمالی تهیه شده بود و حکومت جانسون قبلاً مخفیانه به ویت نام شمالی حمله میکرد ، بروشنی میدانند که تمام قول و قرارهای رؤسای جمهور در زمان انتخابات ، دروغهای شاخه‌دار برای رسیدن بکرسی حکومت بود است ، بروشنی میدانند قتل عام هزاران ویت نامی و مرگ هزاران سرباز امریکائی فقط برای حفظ منافع مشتق انحصارگرو نفت خوار که چشم طمع به مخازن نفتی هند و چین دوخته اند ، صورت گرفته و زینت آلات تبلیغاتی در باره " اصول دموکراسی امریکا " و " تعهدات اخلاق دولت امریکا " کسه هیئت حاکمه بر جنگ گدگد و تجاوز و پیشرویت نام میچسبند از کدم چشمه آب میخورد است .

خلق امریکائی این مدت توانستند هر چه بیشتر به ذات این دروغگوهای لافزن که بر صد رقتند سنگداه امپریالیستی امریکا نشسته اند بی برد و محاسب خود را از آنان جدا نمایند و بر بسط و توسعه جنبش خود علیه جنگتجاری و بی‌بند و چین بیافزایند .

تظاهرات اخیر در واشنگتن حتی نیکسون را هم مجبور نمود اقرار کند که "گویا واشنگتن از طرف جوانان محاصره گشته بود" .

داند ه این مبارزات در دوران ارتش امپریالیسم تانینیز نفوذ و گسترش مییابد .

بیتناز ، ۷۲ نفره مخفی و نیمه مخفی در سربازخانه‌ها امریکاد در بین سربازان در ویت نام خشن میگردد .

دها سزبان و تشکیلات ضد امپریالیستی شدید اعلیه جنگ ویت نام در بین سربازان تبلیغ فعالیتهای طبقه کارر رسمی که خود زنیاله‌های امریکائی هم مجبور به اعتراف بآن هستند ، در هر دو دقیقه یک سرباز امریکائی از رقتن به ویت نام سرپیچی میکند ، در ویت نام نیز هر روز عده زیادی امریکائی از جبهه جنگ فرار و به سربازان جبهه آزاد بیخشان خلق ویت نام می پیوندند ، این سربازان علناً اظهار نمودند که دیگر حاضر نیستند در ارتش که به ابتدائیترین حقوق یک خلق کوچک تجاوز میکنند و دست خود را به خون هزاران هزارتن و مرگ و کودک آلوده میسازد ، خدمت نمایند مشکل دیگر تجاوزکاران در ویت نام ، استعمال شدید و فراوان مواد مخدر از طرف سربازان و افسران امریکائی میباشد .

بیتناز نصف سربازان امریکائی در ویت نام معتاد بمواد مخدره میباشند و فقط در سال ۱۹۷۰ تعداد کشته شدگان در اثر استعمال زیاد حبشش و تریساک و هروئین بیش از ۱۶۰ نفر بود است .

زنیاله‌های امریکائی میگویند وسعت استعمال مواد مخدره در بین سربازان امریکائی در ویت نام بحدی است که جلوگیری آن تقریباً غیر ممکن است و کار بجائی رسیده که برای حفظ ظاهر از مقامات سایکونی کمک میطلبند .

چنین وقایعی بخوبی وضع و روحیه دافان شده ارتش پושالی امپریالیستهارانشان میدهد . مخارج هنگفت و بی‌بند و جنگ ویت نام که هیئت حاکمه بر دوش خلق امریکا تحمیل میکند ، باعث تشدید تضاد ها در بین امپریالیسم گشته است .

بر بیکاری و فقر و نارضایتی های مردم هر روز افزون و میشود و رفته رفته حالت بحرانی شدیدی در حیات اجتماعی امریکا نمایان میگردد و اوضاع و بخشهای زیاد تری را به مبارزه میکشاند .

بقیه در صفحه ۳

# از مقاومت قهرمانانه فدائیان در برابر ارتش پویشالی حسین قاطعانه پشتیبانی کنیم